

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

هشتم مارس اسفند بر شرایطی بر گزار میگردد که شعارها و تصمیمات کنگره جهانی زنان مبارزه در راه برابری - پیشرفت - صلح - در مرکز توجه جنبش جهانی و مترقی زنان قرار دارد. اهمیت این شعار مرکزی در اینجاست که از طرفی مسئله برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی زن و مرد را در جامعه برجسته میکند و از طرف دیگر آنها را با مسئله پیشرفت اجتماعی و نبرد

فرخنده باد روز هشتم مارس - روز بین المللی زنان

در راه صلح جهانی پیوند میبندد. سخن دیگر دومبارزه ناگسستی در برابر زنان جهان و از آنجمله زنان میهن ما قرار میگیرد: مبارزه در راه حقوق حقه اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی زن و مبارزه در راه تحول مترقی جامعه یا بعبارت دیگر مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی. در مورد مبارزه صنفی باید گفت که علی رغم دعوی دور و دراز رژیم ایران در باره رفاه زن ایرانی این مسئله هنوز در کشور ما حل نشده و محرومیت های مختلف زن در جامعه، خانواده و حیات اقتصادی ادامه دارد. باید توانست با استفاده از کلیه امکانات موجود، با استفاده از تمام قوه های که سخنگویان رژیم بر گردن گرفته اند، مبارزه صنفی زنان را بسط داد و تا آنجا که ممکن است هیئت حاکمه را به عقب نشینی هلی بیشتر و بیشتری وادار ساخت. سازمان ملل متحد دهه ای را که اکنون ما در جریان آن هستیم بعنوان

دهه دفاع از برابری اجتماعی زن اعلام داشته و این امر بنوبه خود مورد حمایت فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان قرار گرفته است. دولت ایران در جریان کنفرانس مکزیکو به خواسته های مربوط به حقوق زن در حرف صحنه گذاشته است. زنان کشور ما باید بطلبند که این وعده ها و حرفهای بلون پشتوانه و امضاء کردن عوامفریبانه اسناد مختلف به عمل، به موازین و مقررات و قوانین، به اقدامات زنده و محسوس بدل گردد.

مبارزه صنفی در راه برابری حقوق چنانکه گفتم با مبارزه سیاسی زنان ایران همبندی مردان مترقی برای تحول مترقی در کشور ما ارتباط منطقی و سرشتی دارد. در این شصتین سال انقلاب کبیر اکثریت بجاست سخنی از لنین پیشوای این انقلاب که در مارس سال ۱۹۲۱ دنباله در صفحه ۲

لایحه امپریالیستی را علیه نیروهای انقلابی و مترقی جهان برملا کنیم!

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

الحق که امپریالیستها در دعوی خود که گویا آنها حامیان حقوق بشر و سوسیالیسم ناقص حقوق بشر است کار. دعوی گستاخانه را از هر حد و تضییع گذرانده اند. به برخی واقفیت های عیان نظر افکنیم:

(۱) در کشور های سرمایه داری سیستم کار مزدوری حکمرواست. کارگران و دهقانانی که نیروی عمده ایجاد ثروت هستند حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری قرنهایست برای دستمزد کافی مبارزه میکنند و دائماً دستمزد آنها از هزینه زندگی عقب میماند. ازراه بهره کشی خشن و بیرحمانه از کارگران معدنی و معدنیان و کشاورزان بهره کشان که خود که یکصدم جامعه را تشکیل میدهند، بخش عمده یعنی گاه بیش از هشتاد درصد ثروت جامعه را بخود اختصاص میدهند و در نتیجه از امتیازات و زندگی افسانه آمیزی بهره مندند. این کشور های بزرگ سرمایه داری نهال شوم بهره کشی سرمایه داری را هر جا که توانسته اند کاشته اند و میکارند و از آن جمله در کشور ما نیز نظامی دلخواه خود و وابسته به خویش بوجود آورده اند. در کشور ما نیز دره عظیمی بین فقر و ثروت وجود دارد. موافق محاسبه یک خبرنگار آلمان غربی، در حالیکه قشری از سرمایه داران ایران روزی پنجاه هزار دلار درآمد ویژه دارند، مزد رسمی کارگر ایرانی در بهترین حالت در حدود پنج دلار است. آیا بهره کشی انسان از انسان، فقر تولید کنندگان ثروت، و ثروت غارت کنندگان مردم، مراعات حقوق بشره است؟ آیا اصولاً بهره کشان بی وجدان و چپاولگر حق دارند دم از حق بشر بزنند؟ آنها هم در مورد کشور های سوسیالیستی که در آنجا نظام بهره کشی انسان از انسان و آقای ونوکری از بیخ و بن دگرگون شده و برافزوده است؟

(۲) امپریالیستها قرنهایست کشور های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را بیرحمانه غارت میکنند و در سایه این غارت بیرحمانه برای صنایع و کشاورزی و بازرگانی خود شرایط مساعد رشد سرمایه را فراهم آورده اند. این غارت موافق شعار «ارزان بخر و گران بفروش» انجام میگردد. از آنجمله نفت ایران را سالیان دراز به بهای بسیار ارزان خریدند و تا ۲۵ برابر این بها در بازار جهان فروختند. هم اکنون نیز نفت ما را چند برابر خرید میفروشند و در حالیکه با افزایش ده در صد بهای نفت ایران مخالفت میکنند، بهای کالاهای فروشی خود را بایران تا چهارصدم درصد افزایش داده اند. این مطالب را ما نمیگوئیم، اینها را حتی سخنگویان رژیم که خود دوستان جانسوخته غرب امپریالیستی هستند میگویند. این سوال پیش میاید: غارت بی رحمانه و بی شرمانه صدها میلیون مردم سه قاره جهان، محکوم کردن آنها به فقر و عقب ماندگی، مراعات حقوق بشره است؟ آیا واشنگتن، لندن، پاریس، بن، توکیو، رم و دیگر مراکز عمده تاراجگران بین المللی حق دارند از حقوق بشره دم بزنند؟ آنها علیه کشور های سوسیالیستی که از روز پیدایش خود با غارت استعماری مخالفت صریح کردند و در عمل از هیچگونه کمکی که جنبشهای جهانی رفاه بخش خلاقیتی (جهان سوم) برای تأمین حقوق خود دریغ نورزیده اند و نیروزدن وهم اکنون آنچه که این «جهان سوم» در راه استقلال سیاسی و اقتصادی بدست آورده بیرکعت پشتیبانی آنهاست.

حقوق عمیق تاریخ معاصر پیشرفت درنگ روان ترقی اجتماعی در سراسر جهان است: جنبش جهانی بخش ملی، جنبش انقلابی که اجزاء سه گانه روند واحد انقلابی عصر ن تازه بنانه ای دست می یابند. علیزغم پیش نظر و تقای طبقات حاکمه ارتجاعی و محافظه ر های سرمایه داری، آنها نتوانستند بکمک جنگ سرد، شانتاژ اتمی، مسابقه تبلیغاتی، فشار اقتصادی و غیره این روند را متوقف هر بار مجبور شده اند به عقب نشینی هائی کامیابیهی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی نیرو های مترقی جهان امروز تن در دهند. باقی امپریالیستها در مقابل پیشرفت جلوكبری نیش مترقی و انقلابی وسائل مختلفی داشتند. جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم و استقرار حکومت سنی فاشیستی و مداخلات نظامی متوسل میشدند. با این امکانات را نیز بتدریج و بیش از پیش داده و میدهند. برافروختن نائره جنگ جهانی بر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و ترقی و شانس موفقیت برای امپریالیستهاست. اشکال بدور ضد انقلاب نیز که یکی از نمونه های بی دیدیم، دسیم دشوار تر میشود. برعکس از قبیل رژیم فرانکو، وان تیو، کایتانو، منگهی سیه یونان، رژیم استبدادی امپراطور نزال آن دچار شکست و انفراد تاریخی میشوند رهای مستعمره سابق مانند آنگولا و موزامبیک کومت های مترقی و ضد امپریالیستی قدرت ت میگیرند.

زاین شرایط جهانی، امپریالیستها برای متوقف ند انقلاب و ترقی، بیش از پیش به تبلیغات میز و فرودگونی بی پروا بمنظور بی اعتبار کشور های سوسیالیستی و آرمانهای مترقی، ایجاد تفرقه در جنبش انقلابی جهانی، بمنظور نین چهره و مقاصد اصلی خویش، دست زده اند سازند و اگر بتوانند به عقب برگردانند. یکی از موضوعات مورد علاقه جارچیان امپریا ملتها پیش موضوع «حقوق بشره» است که وه کشورهای سوسیالیستی آنها نقض میکنند. ح این دعوی بداندمنی است که امپریالیستهای ر و دفل ایالات متحده آمریکا و انگلیس و بی و فرانسه و ژاپن و غیره خود «مدافعان» نه حقوق بشر هستند و در کشور های آنها یرد علاقه آنها گویا حقوق انسان حفظ میشود ن کشور های که آنها تحول پیدایی و تاریخی بی سابقه اقتصادی و اجتماعی بخاطر ن به اسارت و ستم و غارت قرنها روی داده ، خلقی با مترقی ترین شارها و آرمانها سر ه اند، آری، درست در این کشور ها گویا شره نقض میشود! امپریالیستها برای «اثبات» ی لغو و سرایا اقتدار آمیز خود از جمله عده شماری از روشنفکران ناراضی در کشور های تی را وسیله قرار داده اند و با بزرگ کردن اظهارات این افراد بکمک دستکامهای عظیم ن گروهی خود، میفروهند دروغ و جعل خویش ن واقفیت جلوه گر سازند.

یورش تازه رژیم علیه کارگران

(در باره آئین نامه انضباطی)

زحمتکشانی بیافشاند و آنانرا فریب دهد. ولی نه شلاق جلدان سواک ونه «نان قندی» عوامفریبان رژیم نتوانست نتیجه مورد نظر را برای هیئت حاکمه بوجود آورد. نه تنها از ناراضی کارگران کاسته نشد، بلکه ناخوشودی آنان گسترش یافت. بموازات این گسترش ناخوشودی که قشر های وسیعی از زحمتکشان را بیدار ساخته مبارزه کشانده است، فشار واقتلاک سواکی نیز افزایش یافته است. نمونه آن تهدید هائی است که از سوی شاه و عماش نسبت به کارگران انجام میگردد و مظهر آن، تغییراتی است که در قانون نا رسانی کار میخوانند بسود کار فرمایان بوجود آوردند و یا چماقی است که بنام « آئین نامه انضباطی، میخوانند علیه کارگران بکار برند.

گرانی و کمیابی روز افزون مواد مصرفی، بخصوص مایحتاج روزانه زحمتکشان، محتل مسکن، فقدان وسایل آموزش و بهداشت و بیمه های واقعی درمانی و اجتماعی، وضع ناخوشایند ترافیک، شرایط دشوار کار، نبودن وسایل ایمنی، رفتار غیر انسانی و نا شایست کار فرمایان و سولان با کارگران و ده ها و صدها عمل دیگر، ناخوشودی میان کارگران را روز بروز بیشتر میکند و آنان را وا میدارد تا برای تأمین حداقل شرایط کار و زندگی به مبارزات نسبتاً وسیعی متوسل شوند. اعتصاب ها و نمایشهای جمعی که خبر هیچیک از آنها در مطبوعات منتشر نمیشود، نشانه ای بر این واقفیت است. کار بجائی کشیده که حتی مطبوعات مجاز نیز ناگپیرند، گه گاه، پلراه انداختن مصاحبه و تشکیل میز گرد، بمنظور ایجاد درجه اطمینان، بانمایندگان کارگران بگفتگو بنشینند. و یا اینکه این نمایندگان غالباً از صافی «سواک» گذشته اند، باز هم حقایق را از شرایط کار و زندگی زحمتکشان باز گو میکنند، که بنوبه خود محکوم کنند.است.

رژیم شاه که هرگز از بکار بردن شیوه های ترور و اعمال زور علیه کارگران و سایر مبارزان ابا نداشتند و ندارد، تا مدتی فکر میکرد با « نان قندی» شریک کردن کارگران در سود و سهام واحد های تولیدی و تبلیغ دربار عدالت اجتماعی میتواند خاک برچشمان باز

رژیم مدعی است، که این اقدامات برای جلو گیری از بی انضباطی، و «کم کاری» کارگران در واحد های تولیدی انجام میگردد، که گویا با افزایش بی رویه دستمزدها باعث پائین آمدن میزان بازده کار شده و صنایع کشور را به خطر انداخته است. و این ادعا در زمانی میگذرد که باعتراف خود رژیم ارزش افزوده صنایع، حتی گاه بیش از ۱۹ درصد در سال بالا رفته، صاحبان واحد های تولیدی حتی بسود های ۲۵ درصد قانع نیستند و طبق ارقام رسمی سهم مزد و حقوق در ارزش افزوده داخلی از ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۱۸٫۴ درصد در سال ۵۲ کاهش یافته است. بی انضباطی، و «کم کاری» در قاموس رژیم همان مبارزات اعتراضی و انتصابی است که کارگران برای مقابله بانشدید استعمار و ستم سرمایه انجام میدهند. دولت میخواهد با تغییر قانون کار، ایجاد « آئین نامه انضباطی، و تنظیم « طرح جامع طبقه بندی مشاغل» راه هر گونه مبارزه را برای کارگران سد کند. نکته دیگر آنکه، «لیزغم پیشرفت نسبی دنباله در صفحه ۲

اطلاعیه

در دیداری که بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران، مرکب از رقا: اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی، کیانوری عضو هیئت اجرائیه و دبیر کمیته مرکزی و بهزادی عضو کمیته مرکزی و هیئت نمایندگی حزب چپ کمونیستهای سوئد مرکب از رقا: لارسن ورنر صدر هیئت رهبری و بوهارمار عضو هیئت رهبری صورت گرفت، موافقت شد که همکاری بین حزب توده ایران و حزب چپ کمونیستهای سوئد بیش از پیش توسعه یابد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران رفتی سوئدی را بتفصیل از اوضاع سیاسی ایران و مبارزه کمونیستهای ایرانی علیه رژیم دیکتاتوری مطلع ساخت. هیئت نمایندگی حزب چپ کمونیستهای سوئد درباره وضع تازه ای که بعد از انتخابات پائیز (۱۹۷۶) در سوئد بوجود آمده و وظائف کمونیستهای سوئدی، اطلاعاتی در اختیار هیئت نمایندگی حزب توده ایران گذاشت.

حزب چپ کمونیستهای سوئد با ایسکارات گوناگون، همبستگی با جنبش دمکراتیک مردم ایران و حزب برادر خود، حزب توده ایران را گسترش خواهد داد.

هیبرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

تلگراف فیدل کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کوبا در پاسخ شادباش حزب ما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار روزنامه «گرانما»

رفوق ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران!

از سلامهای برادرانه شما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار «گرانما» متشکرم. از این فرصت استفاده کرده به کمونیستهای ایران و خلق ایران سلامهای خلق و حزبمان را تقدیم میبارم.

فیدل کاسترو روز دبیر اول حزب کمونیست کوبا

